

هشتاد و یکمین مجمع عمومی سازمان ملل بیشتر از هر زمان دیگری ضداسرائیلی است

آخرین رقص نتانياهو؟



نتانياهو ترامپ را ندید، هیچ دیدار دوجانبه مهمی ترتیب داده نشد، در نیویورک نخواهید، حتی در فرودگاه اصلی شهر فرود نیامد. آنچه باقی ماند یک ویدئو ۱۹ ثانیه‌ای علیه شهردار نیویورک بود

در چند جبهه سازماندهی شده است. برای امروز که روز سخنرانی نتانياهو است چند تجمع برنامه‌ریزی شده: ساعت ۱۱ صبح در یونیون اسکوتر؛ گروه اسرائیلی تبعیدی (UnXeptable) علیه سیاست‌های داخلی نتانياهو به خیابان خواهد آمد. مدیر این گروه گفته است: «هر جا بنیامین نتانياهو برود، به دولت اسرائیل و مردم اسرائیل آسیب می‌زند». ساعت ۱۲ در میدان داگ هامرشولد مقابل سازمان ملل نیز اقرار مختلف تجمع خواهند کرد. ائتلافی از گروه‌های چپ‌گرای یهودی از جمله T'ruah, J Street و New Israel Fund. در بیانیه‌شان آمده است: «نخست‌وزیر دستش به خون آلوده است و در شهر نیویورک با خوشامدگویی روبه‌رو نخواهد شد». ساعت ۱۶ پارک برایانت به سمت سازمان ملل یک راهپیمایی برگزار خواهد شد. ائتلافی از جنبش جوانان فلسطینی، صدای یهودی برای صلح، سوسیالیست‌های دموکراتیک آمریکا و دیگر گروه‌ها در این راهپیمایی شرکت خواهند کرد. ظاهر دلّه، یکی از سازمان‌دهندگان، گفته هدف این است نتانياهو «سال آینده اصلاً نتواند به سازمان ملل بیاید». وزارت امور دیاسپورا رژیم صهیونیستی سطح خطر تظاهرات ۲۴ سپتامبر را «بالا» ارزیابی و ادعا کرده در شبکه‌های اجتماعی فراخوان‌های صریح برای ترور نتانياهو، مسدود کردن مسیر کاروان او و انتشار مکان هتل احتمالی‌اش منتشر شده است. این وزارتخانه تخمین زده چندصد تا چندهزار نفر در تظاهرات شرکت کنند و نسبت به درگیری با ضدتظاهرات‌کنندگان حامی

نیک پندار؛ درکنار همه اتفاق‌هایی که در خاورمیانه افتاده و تأثیر آن را هم اکنون در اجلاس سازمان ملل می‌بینیم، حضور بنیامین نتانياهو امسال با حواشی جالب‌تری همراه است. در یک جمله می‌توان گفت برخلاف هر سال، نتانياهو امسال به نیویورک نیامده تا با دنیا بجنگد، آمده تا از دنیا فرار کند. سفری که قرار بود چندروزه باشد، به ۶ ساعت کاهش یافته است. دیدار نتانياهو با ترامپ ترتیب داده نشده، هواپیمایش به جای فرودگاه کندی، در یک پایگاه نظامی در نیوجرسی نشسته و تنها «دستاورد» رسانه‌ای‌اش تا این لحظه، یک ویدئو ۱۹ ثانیه‌ای علیه شهردار نیویورک است. این نه دیپلماسی است، نه اقتدار؛ این اجتناب سازمان‌یافته است.

سفر ۶ ساعته یک رئیس فراری رژیم براساس گزارش‌های متعدد ازجمله هآرتص، وای نت و کانال ۱۴ اسرائیل، نتانياهو روز چهارشنبه به وقت محلی به آمریکا سفر می‌کند، اما تنها ۶ ساعت در نیویورک می‌ماند. او پنجشنبه صبح وارد می‌شود، حدود ساعت ۲۱ به وقت تل آویو سخنرانی کرده و همان شب نیویورک را ترک می‌کند. بدون اقامت در هتل، بدون دیدارهای جانبی، فقط یک سخنرانی و فرار.

در پاسخ به این پرسش که چرا این سفر این قدر کوتاه است، باید گفت: یک منبع آگاه به هآرتص گفته این سخنرانی «یک سخنرانی انتخاباتی است که عمدتاً مخاطبش رأی دهندگان بالقوه در اسرائیل هستند». انتخابات کنست حدود یک ماه دیگر (۲۷ اکتبر) برگزار می‌شود و نتانياهو می‌خواهد در ساعت پربیننده تلویزیون رژیم صهیونیستی (حدود ۲۱) دیده شود، نه اینکه وقتش را در نیویورک تلف کند!

نکته نمادین‌تر اینکه هواپیمای نتانياهو به جای فرودگاه بین‌المللی جان اف کندی، در یک پایگاه نظامی در نیوجرسی یا فرودگاه نیوآرک نشست. در توضیح این اتفاق گفته‌اند ترس از شهردار نیویورک، زهران ممدانی سبب این کار شده است. به عبارتی آنچنان که واضح است نتانياهو حتی از فرودگاه شهر هم می‌ترسد.

با اینکه ترامپ هم در نیویورک و به مجمع عمومی حاضر است، ملاقات این دو انجام نمی‌شود. مذاکرات برای دیدار با وزیر خارجه، روبیو هم نامشخص است. یک منبع اسرائیلی به کانال ۱۴ این رژیم گفته است: «مشکلاتی در هماهنگی وجود داشت. هم نیاز به سوخت‌گیری، هم اینکه آمریکایی‌ها هماهنگی‌های لحظه آخر را دوست ندارند». حتی ملاقات با ایلان ماسک در تگزاس هم لغو شده است. به عبارتی باید گفت نتانياهو در حال حاضر رهبری است که نمی‌تواند با رئیس‌جمهور آمریکا دیدار کند، نمی‌تواند در نیویورک بخواود و حتی نمی‌تواند در فرودگاه اصلی شهر فرود بیاید. این رهبر نه در حال اعمال قدرت، بلکه در حال مدیریت آسیب است.

جنگ لفظی با ممدانی

ممدانی پیش از این در مصاحبه با سی‌ان‌ان گفته بود نتانياهو «جنايتكار جنگي و معمار نسل‌كشی وحشتناك علیه مردم فلسطین» است. نتانياهو در پاسخ، ویدئویی منتشر کرد و مستقیماً خطاب به ممدانی گفت: «باید خجالت بکشی. از حمایت از هیولاهای ترور یست حماس که مردم ما را قتل‌عام کردند خجالت بکشی. از تحریک شورش علیه یهودیان نیویورک خجالت بکشی. من به سازمان ملل می‌آیم، حقیقت را درباره سربازان قهرمانمان می‌گویم و حقیقت را درباره تو هم خواهم گفت».

ممدانی در پاسخ گفت: «همه ما می‌دانیم آنچه نخست‌وزیر در آن ویدئو گفت درست نیست. حقیقت روشن درباره او این است: نگرانی او موضوع حکم

کویت، علی الزیدی نخست‌وزیر عراق، مصطفی مدبولی نخست‌وزیر مصر، نواف سلام نخست‌وزیر لبنان، شیخ عبدالله بن زاید آل‌نهیان وزیر خارجه امارات، شاهزاده فیصل بن فرحان وزیر خارجه عربستان، عبداللطیف الزیانی وزیر خارجه بحرین و نماینده عمان بودند. ترامپ این گروه را دوستان، متحدان و شرکای نزدیک آمریکا خواند و فضای جلسه را مثبت و حتی بازمه توصیف کرد. او از روابط شخصی‌اش با اردوغان یاد کرد و گفت منطقه در آستانه غلبه بر چالش‌هایی است که دهه‌ها گریبانگیر آن بوده است.

■موضوع محوری؛ جنگ آمریکا علیه ایران

موضوع محوری، جنگ حدود هفت‌ماهه آمریکا با ایران بود که از فوریه ۲۰۲۶ آغاز شده و پیامدهای سنگینی بر امنیت دریاوردی، قیمت انرژی و ثبات کشورهای خلیج‌فارس گذاشته است. ترامپ در این نشست اعلام کرد نمایندگان ویژه‌اش، استیو ویتکاف و جرد کوشنر، همان روز حدود سه ساعت مذاکره «بسیار سازنده» با میانجیگران یا هیئت ایرانی داشته‌اند و جلسه دیگری در آینده نزدیک برنامه‌ریزی شده است. او از وجود «شتاب زیاد» برای رسیدن به توافق سخن گفت، اما همزمان تهدید کرد یا توافقی برای بازسازی ایران حاصل می‌شود یا جمهوری اسلامی به‌سرعت «ناپود» خواهد شد. ترامپ همچنین بر حمایت از کریدور اقتصادی هند-خاورمیانه-اروپا (IMEC) و انتقال زیرساخت‌های انرژی دور از نقاط تحت نفوذ ایران تأکید کرد تا وابستگی منطقه به مسیرهای آسیب‌پذیر کاهش یابد. در کنار این، اجرای فاز دوم طرح ترامپ برای غزه و مسیر سیاسی برای حل مسئله فلسطین براساس قطعنامه‌های بین‌المللی نیز مطرح شد.

■**خوش‌وبش با رئیس‌جمهور تفنگ به‌دست**
یکی از حاشیه‌های برجسته این نشست، حضور

به روایت دیگران

چگونه مقاومت لبنان از ویرانه‌های ۲۰۲۴ به معادله ۲۰۲۶ بازگشت؟

حزب‌الله و معجزه بقا و ترمیم؛ دو سال پس از سپتامبر خونین

محسن فاطمی نژاد؛ ماشین ترور و نسل‌کشی تل آویو در سپتامبر ۲۰۲۴ با تمام قوا به میدان آمد تا کار را یکسره کند. بارانی از آتش، بمب و شوک‌های امنیتی بی‌سابقه بر سر مقاومت لبنان آوار شد؛ ضرباتی چنان مهلک، غافلگیرکننده و متوالی که به باور بسیاری از تحلیلگران، کمر هر دولت مستقری را می‌شکست و ساختار فرماندهی و بدنه اجتماعی هر سازمان چریکی را حتی برای همیشه متلاشی می‌کرد. در آن روزهای پرالتهاب «سپتامبر خونین»، رؤیاپردازی‌ها برای خاورمیانه‌ای بدون مقاومت و پایان کار این جنبش به اوج رسیده بود. اما امروز، دو سال پس از آن پاییز شوم و عبور از توفان‌های سهمگین ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۶، میدان نبرد و معادلات سیاسی داستان کاملاً متفاوتی را روایت می‌کند. سازمانی که سنگین‌ترین ضربات تاریخ خود را دریافت کرد، نه تنها فروپاشید، بلکه در روندی حیرت‌انگیز به بازسازی ساختار خود پرداخت.

روزنامه لبنانی «الاخبار» در سرمقاله‌ای تحلیلی و جامع به کالبدشکافی این پدیده شگرف پرداخته است؛ روایتی که نشان می‌دهد چرا ریشه‌های این جنبش بسیار عمیق‌تر از آن است که با بمباران و ترور خشکانده شود. آنچه در ادامه می‌خوانید، گزاره‌های کلیدی این ارزیابی از سازوکار بقای حزب‌الله است.

■ریشه‌هایی در بافت اجتماعی، فراتر از قوای نظامی

خطای محاسباتی بزرگ دشمنان مقاومت این است که رابطه حزب‌الله و جامعه حامی‌اش را به وقایع پس از هفتم اکتبر محدود می‌کنند و آن را صرفاً با کارنامه نظامی در یک جنگ می‌سنجند، حال آنکه این پیوند ریشه‌هایی به قدمت دهه‌ها دارد؛ پیوندی که از زمان تأسیس جنبش امل توسط امام موسی صدر شکل گرفت و در طول سال‌ها، با عناصر سیاسی، اجتماعی، مذهبی و نهادی درهم تنیده شد. جامعه‌ای که مقاومت در بستر آن متولد شده، حافظه‌ای کوتاه‌مدت ندارد. درد اشغالگری، آزادسازی سال ۲۰۰۰، جنگ ۳۳روزه ۲۰۰۶، سال‌ها نبرد با تکفیری‌ها و جنگ‌های فرسایشی ۲۰۲۴ و ۲۰۲۶، بخشی از این حافظه تاریخی است. در چنین جامعه‌ای، مقاومت با یک ترور یا ضربه نظامی قابل حذف نیست.

حزب‌الله نیز صرفاً یک نیروی نظامی نیست. این جریان طی چهار دهه به ترکیبی از توان رزمی، ظرفیت سیاسی و شبکه‌ای از نهادهای مدنی، اجتماعی، مالی و درمانی تبدیل شده است؛ ساختاری که اجزای آن یکدیگر را تقویت می‌کنند. از همین رو، حتی حذف فرماندهان و بخش مهمی از توان نظامی، به معنای پایان کار نیست، تغییر نسل رهبران و روی کار آمدن چهره‌هایی چون شیخ نعیم قاسم نیز ماشین سازماندهی را از حرکت نینداخت. ضربه نظامی سنگین بود، اما

نتوانست این بازیگر را محو کند؛ زیرآقدرت نهادهای دوبلاره همچنان در شریان‌های آن جریان دارد.



■از توهم «نابودی» تا واقعیت «تضعیف»

صرف بقا و سرپا ماندن پس از تحمل ضرباتی که می‌توانست ساختار کشورهای بزرگ را از هم بپاشد، به خودی خود یک دستاورد عظیم و یک «معجزه» است. این استقامت میدانی سبب شده در ماه‌های اخیر، ادبیات استراتژیک در آمریکا و سرزمین‌های اشغالی دچار چرخشی معنادار و اعتراف‌گونه شود.

امروز، استراتژیست‌های غربی و صهیونیستی به این باور فزاینده رسیده‌اند که «تضعیف مقاومت» هدفی بسیار واقع‌بینانه‌تر از توهم «نابودی نهایی» آن است. دانیال بايمن، در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی آمریکا (CSIS)، صراحتاً تأکید می‌کند هدف اصلی اسرائیل اکنون تغییر کرده و تنها «تضعیف حزب‌الله» است. همزمان، مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل (INSS) در مقاله‌ای با عنوان «فرصتی برای شکل‌دهی به واقعیتی جدید با لبنان» اذعان می‌کند هرچند توان نظامی حزب‌الله آسیب جدی دیده، اما «این سازمان هرگز ناپدید نشده است».

■فقنوسی که دوباره متولد می‌شود

تصویر امروز و فردای این نبرد، حاوی یک درس بزرگ تاریخی است. تشکیلات امروز قطعاً همان سازمانی نیست که در سال ۲۰۲۳ وارد جنگ شد؛ او از جنگی بی‌رحمانه خارج شده، زخمی است و کادره‌های تاریخی خود را از دست داده است، اما این پایان راه نیست. اگر هدف ائتلاف غربی-صهیونیستی صرفاً ضربه زدن به ماشین نظامی بود، توانستند خساراتی وارد کنند؛ اما اگر هدف، پایان دادن به مقاومت به عنوان یک پدیده اجتماعی و بازطراحی نقشه سیاسی لبنان بود، این نبرد پیچیده تا این لحظه در تحقق اهداف خود شکستی فاحش خورده است.

تاریخ جنبش‌های مقاومت با شدت و حجم ضرباتی که دریافت می‌کنند سنجیده نمی‌شود، بلکه عیار آن‌ها در توانایی «بازتولید رهبری»، «حفظ انسجام سازمانی»، «ترمیم پیوند با جامعه» و «بازآفرینی گفت‌وگو» پس از زلزله‌های بزرگ نهفته است. مقاومت لبنان رهبرانی را فدا کرد، اما فرماندهانی جدید پروراند و تهدیدپویرانگر سال‌های اخیر را به فرصتی برای بازتولید خود بدل کرد. این همان راز بقای تشکیلاتی است که باید آن را «حزب‌الله‌ولاد» (زاینده) نامید.